

نامه سرگشاده به نخست‌وزیر جاستین ترودو

رونوشت: رهبر اپوزیسیون؛ آقای ارین اتول
رونوشت: مدیر سازمان امنیت و اطلاعات کانادا، آقای داوید وینیو

جناب نخست‌وزیر ترودو؛

در این نامه به یک مورد نگران‌کننده ویژه از نفوذ رژیم اسلامی در ایران: در نهادهای همگانی کانادایی می‌پردازم؛ موری که همین سال‌ها در دانشگاه سایمون فریزر رخ داده است و اکنون به دادخواستی در پیشگاه دادگاه عالی بریتیش کلمبیا انجامیده است.

در فوریه امسال، مدیر سازمان امنیت کانادا، جناب وینیو به کاناداییان درباره تهدیدهای امنیت ملی از سوی دولت‌های متخاصم خارجی، به ویژه از راه فعالیت‌های به‌ظاهر دانشگاهی/علمی و تجاری/اقتصادی، هشدار داد. آقای وینیو به درستی به طرح نگرانی از موارد تازه مورد علاقه در کانادا برای بازی‌گران ناخواستنی عرصه جهانی پرداخت و گفت: "امروزه، نادرستان بیشتر بر داشته‌های علمی/تکنولوژیک و پژوهش‌های پیشرفته متمرکزند، داده‌هایی که بر روی سیستم کامپیوتری ستارت‌آپ‌هایی کوچک، اتاق جلسات مدیریتی شرکت‌ها، یا آزمایشگاه‌های دانشگاهی در جای‌جای کشور در دسترس اند." او افزود: "یک نفوذی عاملی متخاصم، می‌تواند چنین اطلاعاتی را یکجا بدزدد و بر روی یک فلش‌درایو به مقصد بیرونی بفرستد."

تردیدی نیست که بزرگترین تهدیدهای امنیتی خارجی از سوی چین کمونیست، روسیه پوتین، و رژیم اسلامی در ایران به سوی کانادا نشانه رفته است. از میان این سه رژیم، تنها این آخری است که در سیاهه دولت‌های پشتیبان تروریسم (در کنار سوریه) جای گرفته است و تنها این رژیم چنان تهدید بزرگی دیده شده است که اجازه داشتن سفارت در خاک کانادا از آن ستانده شده است. با این همه، ترکیبی از ناآگاهی در نهادهایی همگانی نسبت به تهدیدهای امنیتی برآمده از رژیم خامنه‌ای و حجم هنگفت پول خونی که به روش پول‌شویی از سوی وابستگان رژیم- همچون اعضای کنونی و گذشته "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" و دیگر افراد حکومتی و وابستگان خانوادگی و تجاری ایشان- به درون اقتصاد کانادا سرازیر می‌شود، به وضعیتی دامن زده است که برخی از نهادهای کانادایی آن‌چنان که باید و شاید نگران اقدامات عاملان درونی و بیرونی رژیم خامنه‌ای در کانادا نیستند یا عامدانه چشم خود را بر ایشان می‌بندند.

موردی که توجه شما را به آن می‌خوانم، موردی استثنایی است؛ چرا که دربردارنده اقدام انتقام‌جویانه سامانه مدیریتی یک نهاد همگانی کانادایی به نیابت از رژیم خامنه‌ای علیه یک مخالف رژیم خامنه‌ای است؛ به این دلیل که آن مخالف رژیم دست عوامل نفوذی رژیم در آن نهاد را رو کرده است.

ماه آوریل ۲۰۱۹ بود که من گزارش مستندی که از حضور عوامل رژیم خامنه‌ای در دانشگاه سایمون فریزر، پیشینه ایشان در درون رژیم، و پشتیبانی بخشی از مدیریت دانشگاه از ایشان، فراهم آورده بودم به رییس دانشگاه فرستادم. از میان عوامل رژیم که در گزارشم به ایشان پرداختم، یکی "دکتر شاهرخ جم" نام دارد که پژوهشگری ممتاز در "مرکز تحقیقات فضایی ایران" است و دست‌اندرکار برنامه موشک‌های بالیستیک رژیم است. جم، هم‌زمان برای "نیروی انتظامی جمهوری اسلامی" کار می‌کند؛ همان نهادی سرکوبگری که تنها در سه سال گذشته هزاران تظاهرکننده ایرانی را به قتل رسانده است. "جم"، همچنین گذشته‌ی بسیار تاریکی از سرکوب دانشجویان آزادی‌خواه ایرانی، در زمان ریاستش بر دانشگاه صنعتی شیراز و نیز بر دانشکده برق آن دارد؛ گذشته‌ی تباهی که به روشنی مستند شده است. دیگر عوامل رژیم که در گزارش من نام برده شدند، به گواه اسناد فراوان موجود وابستگی آشکار به "سپاه" و "بیت رهبری" دارند- بخشی از اسناد این وابستگی از سوی ایشان و نیز به نیابت ایشان، با بهره‌برداری از منابع همگانی کانادا بر روی سایت دانشگاه سایمون فریزر قرار داده شده بود. شایان توجه است که این افراد آشکارا از منابع همگانی کانادا برای تبلیغ کاندیدایی هوادار رژیم و شخص خامنه‌ای در انتخابات "مجلس اسلامی" در ایران بهره‌مند شدند.

واکنش مدیریت دانشگاه به گزارش مستند من، دربردارنده همگی موارد زیر بود:

-سر باز زدن از هر گونه اقدام برای اصلاح وضعیت،
-سر باز زدن از گزارش موضوع به پلیس، نهادهای امنیتی، و یا حتی به دفتر امنیت دانشگاه، و

-برخورد انتقامجویانه با خود من، به همان روش‌های مافیایی که رژیم خامنه‌ای در درون ایران علیه مخالفانش به کار می‌برد؛ شامل توطئه، تجاوز به حریم زندگی شخصی من، افترا، و در نهایت لاپوشانی بر همگی این اقدامات تبهکارانه‌ای که به نیابت از مدیریت دانشگاه صورت گرفت.

وضعیت پیش‌گفته، به دادخواستی برای افترا و توطئه انجامید که من نزد دادگاه عالی بریتیش کلمبیا گشودم، یعنی:

MASJOODY, Masood v. SIMON FRASER UNIVERSITY

پس از دو سال از زمان فرستاده‌شدن گزارش من به ریاست دانشگاه، اکنون کارزار لاپوشانی مدیریت دانشگاه و اقدامات ردیابانه ایشان به نیابت از رژیم خامنه‌ای تا سیستم قضایی کانادا هم رسیده است، چنان‌که به گونه‌ای غیرقانونی روند مبادله اسناد مربوط به پرونده را به بن‌بست کشانده اند و از سویی دیگر می‌کوشند با بهره‌گیری از عوامل غیرقانونی و گسیل سفارش به قاضیان، روند دادخواهی را به شکست بکشانند.

چنین تلاش‌های غیرقانونی و فرافقانونی، بختی برای نتیجه‌دهی نخواهد داشت چنانچه آگاهی همگانی از وضعیت وجود داشته باشد. با این همه، در نبود نظارت همگانی و رسانه‌ای درخور - که بخشی از آن ناشی از وضعیت خاص دوران پندمی‌ست - اقدامات مدیریت دانشگاه برای ایشان با موفقیت‌هایی در لاپوشانی بخشی از اقدامات تبهکارانه همراه بوده است.

از دیگر سو، این دادخواست تا بدین‌جا نیایچ مثبتی هم داشته است، چرا که به افشای بیشتر رابطه‌ای ناسالم میان رژیم خونریز خامنه‌ای و بخشی واپسگرا از مدیریت دانشگاه سایمون فریزر و مدرسان و کارمندان آن دامن زده است. آن بخش از پرسنل دانشگاه، در عمل در زمره فرزندان خارجی "امام" خامنه‌ای در کانادا جای دارند، هر چند که پشت ریاکاری نهفته در "تساوی، تنوع، و شمول" و یا نقاب "نسبیت فرهنگی" پناه گرفته باشند. بر پایه اسنادی که به دست آورده ام، هر فرد منصفی می‌تواند وجود کارزارهای توطئه و افترا به نیابت از رژیم خامنه‌ای، و - در پیوند با همین‌ها - تلاش برای لاپوشانی اقدامات ایدایی گسترده مدیریت دانشگاه را تایید کند.

باید به یاد داشت که در کنار به خطر انداختن امنیت ملی کانادا، هم‌دستی از درون با رژیم خامنه‌ای و برعهده گرفتن نقش عامل و نایب آن در انتقال تکنولوژی‌های حساس به پشتیبان شماره یک تروریسم در جهان می‌تواند در عرصه جهانی زبانی جبران‌ناشدنی به اعتبار دیرپای کانادا به عنوان کشوری پیشرو در پشتیبانی از حقوق بشر و قربانیان خودکامگی برساند.

در پایان، از شما صمیمانه می‌خواهم نماینده ای برای حضور در جلسه آینده دادگاه - در هفتم و هشتم آوریل - در پرونده پیش‌گفته تعیین کنید. این کار، گامی بزرگی برای تشویق نظارت همگانی بر روند دادرسی‌ها و چشم‌گشودن بر خطرات دخالت و تاثیرگذاری عوامل رژیم خامنه‌ای برای امنیت ملی کانادا و اعتبار بین‌المللی آن خواهد بود.

با احترام،

دکتر مسعود مسجودی

مدرس پیشین در دانشگاه سایمون فریزر

سوم آوریل ۲۰۲۱